

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه قیامة

استاد ضرابی

جلسه ششم ۱۴۰۳/۴/۲۳

آیات شریفه: «كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ (۲۰) وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ (۲۲) إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ (۲۳) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴) تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ (۲۵) - چنین نیست که شما می پندارید و دلایل معاد را کافی نمی دانید بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید و هوسرانی بی‌قید و شرط را (۲۰) و آخرت را رها می کنید (۲۱) آری در آن روز صورت هایی شاداب و مسرور است (۲۲) و به پروردگارش می نگرد (۲۳) و در آن روز صورت هایی عبوس و در هم کشیده است (۲۴) زیرا می داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می شکند (۲۵)»

ابلهی صیاد آن سایه شود!...

« كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ » در آیات قبل، سخن از علت انکار و طغیان انسان و اموری بود که خداوند خود بر عهده گرفته (ارزاق و آجال ...) و اموری که بر بندگانش تکلیف نموده است (تحصیل معرفت و تقوا، عمل به دستورات خدا و رسول ...) و اکنون در این آیات شریفه به عمق بیش‌تری از دلایل انکار و طغیان مردمان پرداخته، می‌فرماید: « چنین نیست که شما می پندارید که دلیل عمل نکردن شما این است که دلایل معاد را کافی نمی دانید بلکه شما هوسرانی بی‌قید و شرط و دنیای زودگذر را دوست دارید و آخرت را رها می کنید...»

عاجل در مقابل آجل است و عجله مذموم و ناپسند مانند کبر و حسد است؛ (البته عجله در امور خیر به معنای انجام به موقع کارهای نیک است، که مانع بروز پشیمانی، فراموشی، عروض مانع (پدید آمدن مانع) از دست رفتن فرصت و یا فرصت پیدا کردن شیطان برای بازداشتن از کارهای نیک است، بنابراین عجله به معنای سرعت گرفتن در کار خیر مذموم نیست: «و سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران / ۱۳۳) و به سویی آموزش

پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به گستردگی همه آسمانها و زمین است، و برای پرهیزکاران مهیا شده است، بشتابید. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (مائده / ۴۸) «... در کارهای خیر سبقت بگیرید...» اما عجله به

معنای طلب شیء پیش از موعد مناسب، در هر حال ناپسند است، امیرمؤمنان حضرت علی سلام‌الله‌علیه فرمود: «العجل یوجب العثار.» (غررالحکم) «عجله موجب بدبختی و هلاکت است» عجله اسمی است که بر روی دنیا گذاشته شده است: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَ يَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (انسان / ۲۷) «همانا اینان، دنیای شتابان را دوست می‌دارند و پشت سرشان روزی سنگین را وامی‌نهند.» به کسی که آخرت را فرو می‌گذارد و به دنیا رو می‌کند، عجل و شتابزده می‌گویند: «وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء / ۱۱) و انسان همانگونه که خیر می‌جوید، شر می‌خواهد و انسان بسیار شتاب‌آلود است.»

اساساً، به بیان قرآن، انسان عجل و شتابزده، زندگانی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهد؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلُم إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» (توبه / ۳۸) «ای کسانی که ایمان آوردید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود در راه خدا کوچ کنید، بر زمین سنگینی می‌کنید؟ آیا زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهید؟ پس [بدانید که] متاع دنیا در آخرت چیزی اندک است»

اما سؤال این است که خداوند برای این بیماری چه درمانی ارائه می‌دهد؟ پاسخ این است که انسان عجول، برای درمان این رذیله باید به خالق نعمت‌های زودگذر دنیا اندیشه کند تا بتواند منبع باقی و همیشگی این متاع قلیل را بشناسد و وجه همت خود را همجواری پروردگار عالمیان، قرار دهد.

مرغ بر بالا پران و سایه اش	می دود بر خاک پران مرغ و ش
ابلهی صیاد آن سایه شود	می دود چندانکه بی مایه شود
بی خبر کان عکس آن مرغ هواست	بی خبر که اصل آن سایه کجاست
تیر اندازد بسوی سایه او	ترکشش خالی شود در جستجو
ترکش عمرش تهی شد عمر رفت	از دویدن در شکار سایه تفت

ناظر روی تو صاحب نظرانند ولی...!

« وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ » پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: « الْقَلْبُ ثَلَاثَةُ أَنْوَاعٍ : قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالدُّنْيَا ، وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْعُقْبَى ، وَ قَلْبٌ مَشْغُولٌ بِالْمَوْلَى . أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا فَلَهُ الشَّدَّةُ وَ الْبَلَاءُ ، وَ أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْعُقْبَى فَلَهُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ، وَ أَمَّا الْقَلْبُ الْمَشْغُولُ بِالْمَوْلَى فَلَهُ الدُّنْيَا وَ الْعُقْبَى وَ الْمَوْلَى . (المواعظ العددية : ۱۴۶) دل سه گونه است: دل گرفتار دنیا، دل گرفتار عقبی و دل گرفتار مولی. دلی که گرفتار دنیا باشد، سختی و رنج نصیب اوست و دلی که گرفتار عقبی باشد، درجات بلند نصیبش شود و دلی که گرفتار مولی باشد، هم دنیا دارد و هم عقبی را و هم مولی را.»

چرا زاهد اندر هوای بهشت است چرا بی خبر از بهشت آفرین است

مرحوم کلینی در کافی شریف در ضرورت بصیرت و فهم عمیق، روایتی از امام محمدباقر علیه السلام در باب توحید و معارف الهیه آورده است: «جابر می گوید: بر حضرت ابوجعفر امام محمدباقر علیه السلام وارد شدم، حضرت فرمود: ای جابر! به خدا سوگند، حقا من اندوهگین هستم و دلم مشغول است!» یا جابر: وَ اللَّهُ إِنِّي لَمَحْزُونٌ، وَ إِنِّي لَمَشْغُولُ الْقَلْبِ! عرض کردم: فدایت شوم! چه چیز شما را به خود مشغول ساخته و مایه حزن و اندوه قلب شما شده است؟ «قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، وَ مَا شُغْلُكَ؟ وَ مَا حُزْنُ قَلْبِكَ؟» حضرت فرمود: ای جابر! حقا کسی که دین خدا، خالص و صافی بدون ذره‌ای شائبه و کدورت در قلب او وارد شود، دل او از ماسوای حق، منصرف و به خود مشغول می گردد. « يَا جَابِرُ! إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ، شَغَلَ قَلْبُهُ عَمَّا سِوَاهُ. ».

ناظر روی تو صاحب نظرانند ولی سر گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

« یا جابر! ما الدُّنْيَا؟ وَ مَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا؟ هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبَسْتَهُ أَوْ امْرَأَةً أَصَبْتَهَا؟... » ای جابر! دنیا چیست؟ و چه می تواند باشد؟ آیا این دنیا غیر از طعامی است که آن را تناول کرده‌ای یا لباسی که آن را بر تن نموده‌ای و یا زنی که آنرا به نکاح خود درآورده و از آن تمتع می‌جویی؟ (و همه اینها لذائذی حقیر و زائل‌شدنی است) ای جابر! همانا کاملین در ایمان، در اثر طول بقاء در این عالم، دلشان به دنیا و حیات در آن آرام و قرار نگرفت، و هیچگاه خود را از ورود به آخرت ایمن ندانسته، و همواره مراقب و منتظر آن بوده و خود را برای آن مهیا می‌ساختند. ای جابر! آخرت، سرای خالد، و دنیا سرای نیستی و زوال است اما اهل دنیا اهل غفلت و بی‌خبری هستند. و گویا آنانکه در ایمان به کمال رسیدند همان کسانی هستند که در فهم عمیق و بصیرت به درجه علیای از آن دست‌یافته و اهل فکر و عبرت بوده‌اند. هیا هوای دنیا و اهل آن، گوش دل آنان را از سروش و ذکر حق ناشنوا نساخته، و زینت و زخارف عالم غرور بر بصیرت آنان پرده نینداخته و آنان را کور نموده است؛ پس به ثواب آخرت دست یافتند همچنانکه به این پایه از علم نائل آمدند. « ای جابر! بدان که همانا اهل تقوی کم‌هزینه‌ترین اهل دنیا می‌باشند، و یاری و معاونت آنان برای تو از همه بیشتر است. هنگام ذکر و یاد خدا تو را مدد می‌کنند، و آن زمان که به نسیان مبتلا شوی تو را آگاه می‌سازند. به فرمان خدا و حق زبان می‌گشایند، و بر امر خدا قیام می‌کنند. با محبت حضرت پروردگار، رشته هر محبت و تعلق دیگری را بریدند، و برای طاعت مالک و صاحب اختیار خود، با دنیا انس نگرفته و از آن خلوت گزیدند. با چشم دل به خدا و محبت او نگریستند و به یقین دانستند که

حقاً تنها حضرت حق با آن جلالت شأن سزاوار است که منظور و مطلوب انسان باشد. پس ای جابر! دنیا را منزلی قرار ده که در مسیر سفر برای مدّت کوتاهی در آن اقامت نموده و زود از آن کوچ کردی، یا همانند مالی که آن را در خواب یافتی و چون بیدار شدی چیزی از آن مال با تو نبوده و اثری از آن نیافتی! من اینها را برای تقریب معنی برایت مثال زدم، زیرا دنیا نزد اهل خرد و علم بالله مانند سایه ابرها می‌باشد.»

ای که گویی قد رعنا رخ زیبا دارم
قد رعنا تو خم شد، رخ زیبای تو زشت
زانکه دنیای دنی مزرعه دار بقاست
عارف از حسن عمل تخم در این مزرعه کشت

«ای جابر! اینک در حفظ دین و حکمت خدا که رعایت آن را از تو خواسته بکوش! و درباره آنچه برای تو در نزد خداوند از نعم اخروی هست سؤال مکن، که آنچه تو در نزد خداوند داری به همان میزان است که خداوند در نزد تو جایگاه و منزلت دارد، و به هر مقدار که در مسیر طاعت و بندگی او بکوشی به همان مقدار ثواب اخروی خواهی داشت. و اگر دنیا در نزد تو به گونه دیگری جز آنچه برای تو وصف نمودم می‌باشد، از این حال خارج شو و سعی کن که رضای الهی را به دست آوری. (کافی، ج ۲، کتاب ایمان و الکفر، باب ذم الدنیا و الزهد فیها، ص ۱۳۲ تا ص ۱۳۴) به جانم سوگند، چه بسا انسانی که بر متاعی از عالم غرور حرص می‌ورزد، و زمانی که به او داده می‌شود شقاوتمند می‌شود؛ و چه بسا انسانی که از امری ناخشنود بوده اما در آن زمان که بر او وارد شود سعادتمند شده و به نیکبختی می‌رسد؛ و آن همان قول خداوند عزوجل است که میفرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ» (ال عمران/۱۴۱) «و برای اینکه خداوند مؤمنین را پاک گرداند و کافرین را نابود گرداند.»

مردم دیده ما جز برخت ناظر نیست
دل سرگشته ما غیر ترا ذاکر نیست
ناظر روی تو صاحب نظرانند ولی
سر گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

«وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ * تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ - و در آن روز صورت هایی عبوس و در هم کشیده است زیرا می‌دانند عذابی کمرشکن در پیش دارند!»

آن که به گمان خود نقد دنیا را به نسیه آخرت ترجیح داده، در واقع، مقام لقای پروردگارش را از دست داده، در حقیقت، راه کمالی را طی نکرده و بر خلاف آن که تصور می‌کند، زندگی باقی را رها، به فنا چنگ زده، خود را از لذات باقی محروم کرده و سرگرم لذت های آنی و زودگذر شده است، در حقیقت ستون فقرات حیات ابدی خود را نابود کرده است؛ از این جهت روز قیامت به او خطاب می‌شود: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ» (الزّوم/۲۷) ... «شما در زندگی دنیوی خود، لذاذتان را بُردید و از آن برخوردار شدید، پس امروز به کیفر خواری و ذلت، مجازات می‌شوید، چون در زمین به ناحق تکبر کردید و راه فسق و تبهکاری را پیش گرفتند»

حضرت علی علیه السلام فرمود: «أَعْمَالُ الْعِبَادِ فِي عَاجِلِهِمْ نَصَبٌ أَعْيُنُهُمْ فِي آجَالِهِمْ» (نهج البلاغه،

حکمت ۷) اعمال بندگان در این دنیا، نصب العین آن ها در آخرت خواهد بود.

در آن روز که از فعل پرسند و قول
اولو العزم را تن بلرزد ز هول
به جایی که دهشت خورند انبیا
تو عذر گنه را چه داری؟ بیا

اللهم صل علی محمد و آل محمد